

ریف: کالبدشکافی

عبدی اوحدی

در گستره ی چند پهلوی هنر، زوایای متعددی برای تامل در باب یک اثر و نقد آن توسط اهالی فن وجود دارد. در دوران معاصر، ظهور نگرش هایی همچون فرمالیسم¹ و ساختارگرایی² موجب توجه بیشتر منتقدین به فرم یک اثر هنری شده است. موسیقی نیز از این قاعده مستثنی نمانده و در میان آثار کلام محور، جدا از محتوای کلامی اثر، ساختار یک قطعه نیز نقش تعیین کننده ای در بیان هویت آن دارد. چه بسا که از اواسط قرن بیستم میلادی، هنرمندان با حفظ مضامین کلیشه ای، فرم موسیقی را دستمایه ی تغییر قرار داده اند و آثاری جریان ساز پدید آورده اند و این روند همچنان نیز پابرجاست. این ساز و کار در میان گروه های راک و متال نیز وجود داشته و با رجوع به آثار گروه های جریان ساز در این سبک ها میتوان به وضوح این موضوع را مشاهده کرد که در کنار استفاده از مضامین نوآورانه، درون گرایانه، ضدجنگ و ساختارشکنانه، مضامین کلیشه ای همچون عشق و روابط روزمره ی انسانی نیز در آثارشان وجود داشته است. به عنوان مثال گروه لد زپلین³ در قطعه ی فروپاشی رابطه⁴ به خوبی این روند را به تصویر میکشد و

¹ Formalism

² Structuralism

³ Led Zeppelin

⁴ Communication Breakdown

با حفظ محتوایی کهنه، ساختاری نو در دوران خود پدید می آورد. گروه بلک سبت⁵ در قطعات *ان.آی.بی*⁶ و *پارانوئید*⁷ با حفظ محتوایی عاشقانه و کلیشه ای ساختاری کاملاً نو پدید می آورد. قطعه *ی رُزی کامل*⁸ ساخته گروه ای سی دی سی⁹ نیز همین روند را دارد و همچنین قطعه *ی به این سو بیا*¹⁰ اثر گروه ارواسمیت¹¹ را میتوان به عنوان مثالی دیگر در نظر گرفت. همه ی قطعات مذکور یک نقطه ی مشترک حائز اهمیت دارند و آن وجود ریف¹² های به یاد ماندنی در آن هاست. المانی که از هویت موسیقی راک و متال جدایی ناپذیر می نماید و هر چند هم که در برهه های مختلف دچار دگردیسی شده و تغییر کرده اما هنوز به عنوان المان خاص و اصلی این سبک ها عمل میکند. لذا میتوان این نکته را در نظر داشت که ساختن و پروراندن یک ریف قدرتمند، میتواند دستمایه ای ارزشمند برای تولید یک قطعه ی موسیقی ماندگار در سبک های راک و متال محسوب شود. حال این سوال ها پیش می آید که آیا ما میتوانیم چیزی تولید کنیم که مثل ورود مردشنی¹³ بعد از گذشت بیست و هفت سال هنوز هیجان انگیز و نو باشد؟ آیا چیزی مثل *بزرگراه به دوزخ*¹⁴ ساخته شده که از مخاطب سبک راک یا متال فراتر

⁵ Black Sabbath

⁶ N.I.B

⁷ Paranoid

⁸ Whole Lotta Rosie

⁹ AC/DC

¹⁰ Walk This Way

¹¹ Aerosmith

¹² Riff

¹³ Enter Sandman

¹⁴ Highway To Hell

رود و به مخاطبان سبکمان تنی چند بی افزایش؟ آیا توانسته ایم چیزی در قواره ی نمادین¹⁵ درست کنیم که در چند لحظه ی اول نفس مخاطب را در سینه اش حبس کند؟ آنچه که در حال حاضر در حال وقوع میباشد کم رنگ شدن توجه به ریف در میان نوازندگان گیتار الکتریک در کشور ماست. لایه ای که به واسطه ی جذابیت های لایه ی لید برای نوازندگان، در اولویت دوم قرار گرفته و محجور واقع شده است و ریف عملاً همچون پیکره ای بی جان می نماید که تنها نقش پرکردن فضای زیر سولو را دارد. این پدیده ایست دوطرفه، که هم در میان نوازندگان و هم در میان مخاطبان موسیقی راک و متال در کشورمان اتفاق افتاده. نوازندگان بی توجه به ریف به دنبال ساختن سولوی تکنیکال ترند و از آن سو مخاطبان نیز عیار یک قطعه را بر مبنای پارت گیتار سولوی آن میسنجند. در حالی که تمام توجه ها معطوف به سولوی تکنیکال تر است، ریتم گیتار تنها حضوری تکلیف وار را ایفا میکند، تنها شنیده میشود تا پارت سولو از راه برسد و ریف ها چیزی در ذهن مخاطب به یادگار نمی گذارند. شاید علت این اتفاق آن باشد که الگوهای نوازندگان گیتار الکتریک در کشور ما تنها نوازندگان لید هستند و به ندرت کسی را میبینیم که به عنوان مثال از

¹⁵ Symbolic

تونی آیومی¹⁶، جف هانمن¹⁷، اریک پیترسن¹⁸، جیمز شفر¹⁹، مکس کاوالرا²⁰، آدام جنز²¹ نیز به عنوان نوازنده‌ی مورد علاقه‌ی خود نام ببرد. حال آنکه این سوال ایجاد میشود که آیا نباید به اندازه‌ی لید یا حتی بیشتر از آن به ریف و ساختار آن توجه داشت؟ بلاشک نمیتوان از تاثیر پررنگ گیتار سولو در قطعات راک و متال چشم پوشی کرد، چه به واسطه‌ی تاثیر زیبایی شناختی و هارمونیک و چه به واسطه‌ی تاثیر تکنیکالشان، اما در عرصه‌ی پهنای موسیقی دوران معاصر که مرز میان سبک‌های مختلف به سادگی گذشته قابل شناسایی نیست، گیتار سولو به شیوه متداول امروزی را میتوان به عنوان سفیر موسیقی راک و متال در نظر گرفت که توانسته در سبک‌های مختلف موسیقی بگنجد و لحن و طعم این سبک را به سبک‌های دیگر نیز بی‌افزاید. شاید همین بتواند دلیلی بر آن باشد که یک قطعه‌ی موسیقی در مثلا سبک پاپ به واسطه‌ی یک پارت گیتار سولوی راک به کلی متعلق به سبک راک تلقی میشود، حال آن که بسیاری از مشخصه‌های آن سبک را دارا نیست (شایان ذکر است که برداشت فوق در باب صدای دیسترشن²² گیتار نیز صدق میکند). لذا در عصر حاضر با توجه به پیشرفت شگرف و چشمگیر نوازندگی در مقوله سولونوازی و لیدگیتار، این

¹⁶ Tony Iommi

¹⁷ Jeff Hanneman

¹⁸ Eric Peterson

¹⁹ James Shaffer

²⁰ Max Cavalera

²¹ Adam Jones

²² Distortion

بخش از موسیقی راک و متال، که وام گرفته از موسیقی بلوز و جز بوده است، دیگر محدود به یک حوضه ی مشخص در موسیقی نیست و از جز و بلوز تا راک و فیوژن و پاپ را در بر میگیرد. آن بخش از فرم موسیقی راک و متال که میتواند به عنوان المان منحصر به فرد در این سبک ها تلقی شود ریف است. المانی که اگر به خوبی بکار گرفته شود میتواند غنای یک قطعه را تا حدی بالا ببرد که حتی با به حاشیه رفتن و یا حذف المان لید، موسیقی همچنان شیرازه ی خود را حفظ کند و حرفی برای گفتن داشته باشد. به عنوان مثال تنی آیومی به واسطه ی نوشتن ریف های خاص بلک سبت را مطرح کرد و برخلاف مثلا پینک فلوید²³ و یا کامل²⁴ هیچگاه خط لیدگیتار در بلک سبت به عنوان یک آیتم فوق العاده مطرح نشده و به مدد وجود ریف های بسیار توانمند، این مقوله حتی به عنوان یک نقیصه نیز در نظر گرفته نشده است. مثال بسیار مشهود تر این موضوع را میتوان در موسیقی گروه اسلیر²⁵ مشاهده کرد که با اتکای محض بر ریف، موسیقی را پیش برده اند و با وجود آنکه پارت لید در قطعات آن ها وجود دارد اما غالبا در حاشیه قرار داشته. آنچه که همیشه مطرح بوده توان ریتمیک این گروه بوده است و با آنکه پارت لید بسیار به دور از استانداردها بوده است اما اسلیر با اتکا به ریف همیشه به عنوان یک گروه

²³ Pink Floyd

²⁴ Camel

²⁵ Slayer

مهم و تاثیرگذار شناخته میشود. در میان موارد موخر تر نیز میتوان به گروه کرن²⁶ اشاره کرد که با اتکا بر قدرت ریف به کلی پارت لید را حذف کرده، حال آنکه به واسطه ی ساختار متناسب موسیقی، هیچگاه نبود پارت لید به عنوان یک نقیصه در ساختار موزیکال این گروه مطرح نشده است. همچنین میتوان گروه مشوگا²⁷ را به عنوان مثال دیگری مطرح کرد که در ساختار موزیک آن ریف با وجود آنکه به نوعی متفاوت از اتفاقات پیشین است اما همچنان به عنوان ستون اصلی عمل می کند. در نهایت امر، با بازنگری از جانب نوازندگان گیتار الکتریک در کشورمان و البته توجه بیشتر مخاطبان به این لایه از موزیک، میتوان جایگاه ریف را آنگونه که در استانداردهای جهانی نقش ایفا میکند بازیابی کرد و از این لایه ی قدرتمند اما رنگ باخته، در آثار به نحو بهتری استفاده کرد و به طبع تاثیر مثبتی نیز بر سلیقه ی مخاطب های مختلف موسیقی در کشورمان گذاشت.